

اشتغال شکننده کارگاه‌های کوچک

بیش از ۸۰ درصد نیروی کار کشور در کارگاه‌های زیر ۵۰ نفر فعالند؛ هر شوک ارزی یا افزایش هزینه، تهدیدی جدی برای ادامه فعالیت و پرداخت بیمه ایجاد می‌کند

حمایت هدفمند برای پایداری کارگاه‌ها

تورم و نوسان‌های ارزی، کارگاه‌های کوچک و متوسط کشور را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده است. تولیدکنندگان خرد که اغلب با سرمایه محدود و نیروی انسانی اندک فعالیت می‌کنند، بیشترین فشار را از افزایش هزینه‌های مواد اولیه، انرژی، دستمزد و بیمه متحمل می‌شوند. کاهش توان مالی این واحدها مستقیماً بر میزان اشتغال و عملکرد صندوق تأمین اجتماعی تأثیر می‌گذارد و در صورت ادامه‌روند کنونی، تعادل منابع و مصارف این صندوق در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی و خدماتی کشور را کارگاه‌های خرد و کوچک تشکیل می‌دهند. در شهرک‌های صنعتی، تنها حدود ۳۱ درصد از واحدها با ظرفیت بالای ۷۰ درصد فعالیت دارند، در حالی که ۳۲ درصد از واحدها کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت خود را به کار گرفته‌اند. این داده‌ها نمایانگر آن است که بیش از نیمی از ظرفیت بالقوه تولید در کشور به دلیل مشکلات مالی، کمبود نقدینگی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها غیرفعال است. کارشناسان اقتصادی تأکید دارند که کارگاه‌های کوچک ستون پنهان اقتصاد کشور هستند. تعطیلی این واحدها تنها به کاهش منابع ریالی صندوق تأمین اجتماعی محدود نمی‌شود؛ بلکه افزایش تقاضای مقررری بیکاری، فشار مضاعفی بر ساختار این صندوق وارد می‌کند. در این شرایط، مدیریت هوشمند سیاست‌های حمایتی و کنترل تورم، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ اشتغال و تداوم تولید دارد. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، اعلام می‌کند که آسیب‌پذیری این بخش از تولیدکنندگان نسبت به کارگاه‌های بزرگ بسیار بیشتر است. افزایش هزینه‌های تولید و سر بار به نسبت درآمد حاصل از فعالیت واحد، شکنندگی ساختار مالی این کارگاه‌ها را تشدید می‌کند. هرگونه شوک ارزی یا تورمی می‌تواند منجر به تعطیلی موقت یا دائم کارگاه شود و در نتیجه اشتغال کارگران به مخاطره بیفتد. راهکارهای پیشنهادی شامل پرداخت تسهیلات کم‌بهره یا بلاعوض، بخشودگی قبوض انرژی، یارانه دستمزد و تسهیلات مالی کوتاه‌مدت برای تأمین سرمایه در گردش است. این اقدامات به کاهش فشار مالی بر تولیدکنندگان کمک کرده و زمینه پایداری فعالیت کارگاه‌ها و اشتغال کارگران را فراهم می‌کند. اهمیت زمان‌بندی و هدفمندی این حمایت‌ها نیز قابل توجه است؛ تخصیص دیر هنگام یا ناکافی منابع، تأثیر محدودی بر بهبود وضعیت تولید خواهد داشت. بخش قابل توجهی از تولیدکنندگان خرد امکان واردات مستقیم مواد اولیه را ندارند و تغییرات نرخ ارز به سرعت بر قیمت تمام‌شده کالاها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، سیاست‌های کلان دولت در مهار تورم و حمایت از تولیدکنندگان خرد و متوسط، عامل اصلی حفظ تعادل در بازار، ثبات اشتغال و پایداری صندوق بیمه‌ای کشور محسوب می‌شود. حفاظت از اشتغال در کارگاه‌های کوچک، نه تنها ثبات اقتصادی و تولیدی کشور را تضمین می‌کند، بلکه از فشارهای آتی بر منابع بیمه‌ای و صندوق تأمین اجتماعی جلوگیری می‌نماید. استمرار فعالیت این واحدها، تضمین‌کننده پایداری اقتصادی، کاهش آسیب‌های ناشی از بیکاری و حفظ ظرفیت تولید داخلی است. در نهایت، حمایت هدفمند دولت و سیاست‌های هماهنگ وزارت کار، شرط لازم برای ایجاد محیطی پایدار، قابل پیش‌بینی و مقاوم در برابر شوک‌های اقتصادی برای تولیدکنندگان خرد کشور است.

نوشین مقدم پناه روزنامه نگار



کوچک‌ترین تکانه ارزی می‌تواند اشتغال و ثبات مالی کارگاه‌های کوچک را به شدت تهدید کند.

روزگار سخت تولیدکنندگان خرد

سرنوشت محمد تنها یک نمونه ساده از شرایط دشوار تولیدکنندگان خرد است؛ گروهی که در بازار متورم و بی‌ثبات اقتصاد، دست و پایشان بسته شده و توان ادامه فعالیت را از دست داده‌اند. هزینه‌های جاری این کارگاه‌ها به واسطه تورم کمرشکن افزایش قابل توجهی یافته و تولیدکنندگان کوچک، که موازنه هزینه و درآمدشان بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است، در معرض خطر ورشکستگی قرار گرفته‌اند.

ورشکستگی نمونه‌هایی مانند محمد به معنای بیکار شدن شمار زیادی کارگر است؛ این امر از یکسو موجب کاهش منابع ریالی صندوق تأمین اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر مصارف و هزینه‌های این نهاد بیمه‌گر را به دلیل افزایش تعداد متقاضیان دریافت مقرری بیکاری بالا می‌برد. به این ترتیب، تعطیلی موقت یا دائمی کارگاه‌های کوچک، یک معادله دو سر زیان برای صندوق تأمین اجتماعی ایجاد می‌کند. براساس آخرین آمار منتشره در گزارش پایش ملی محیط کسب و کار، از کل واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده، ۴۸۱۲۴ واحد (حدود ۹۲ درصد) را واحدهای خرد و کوچک تشکیل می‌دهند، ۳۰۶۴ واحد صنعتی (۶ درصد) مقیاس متوسط دارند و تنها ۸۹۹ واحد صنعتی (۲ درصد) در مقیاس بزرگ فعالیت می‌کنند. در میان واحدهای فعال در شهرک‌های صنعتی نیز حدود ۱۳۸۸۳ واحد صنعتی (۳۱ درصد) با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول به فعالیت هستند، ۱۷۱۱۴ واحد (۶ درصد) مقیاس متوسط دارند و تنها ۸۹۹ واحد صنعتی (۲ درصد) در مقیاس بزرگ فعالیت می‌کنند. در میان واحدهای فعال در شهرک‌های صنعتی نیز حدود ۱۳۸۸۳ واحد صنعتی (۳۱ درصد) با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول به فعالیت هستند، ۱۷۱۱۴ واحد (۶ درصد) مقیاس متوسط دارند و تنها ۸۹۹ واحد صنعتی (۲ درصد) در مقیاس بزرگ فعالیت می‌کنند. در میان واحدهای فعال در شهرک‌های صنعتی نیز حدود ۱۳۸۸۳ واحد صنعتی (۳۱ درصد) با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد فعالند.

کارشناسان اقتصادی تأکید دارند که کارگاه‌های کوچک با کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار، ستون پنهان اقتصاد و اشتغال کشور هستند. طبق آمار مرکز آمار ایران، بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی و خدماتی کشور را کارگاه‌های خرد و کوچک تشکیل می‌دهند؛ واحدهایی که اغلب با سرمایه اندک و نیروی انسانی محدود، نقش بسیار مؤثری در تأمین معیشت میلیون‌ها نفر ایفا می‌کنند و بقای اشتغال در کشور به پایداری آن‌ها وابسته است.

از آینده بیمناک است؛ یک تولیدی مانند در خیابان جمهوری تهران به دلیل افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و نوسانات دلار، موقتاً تعطیل شده است؛ از اول دی‌ماه کرکرها پایین کشیده شده و ۱۱ کارگر این کارگاه برای دو ماه به خانه فرستاده شده‌اند.

محمد می‌گوید: «توان ادامه دادن نداشتم، قیمت دلار هر روز بالاتر می‌رفت، پارچه گرانتر می‌شد و دیگر نمی‌توانستم خرید کنم.» او که بیست سال سابقه کار در صنف تولید مانند دارد و کارگاه قدیمی پدری‌اش را اداره می‌کند، حالا درگیر دودوتا چهارتایی شده که دیگر با هم جور در نمی‌آیند؛ موازنه هزینه و درآمد کارگاه به هم خورده و پس از دوهفته فعالیت، تعطیلی اجتناب‌ناپذیر شده است.

محمد درباره روند تعطیلی موقت توضیح می‌دهد: «سال‌هاست از یک کارخانه خاص، که یکی از بزرگ‌ترین برندهای پارچه‌بافی کشور است، پارچه می‌خرم. اوایل دی‌ماه، بعد از آنکه با کلی قرض و قوله پول یک بار پارچه را پرداخت کردم، روز بازرگیری تماس گرفتند و گفتند قیمت‌ها بالاتر رفته و باید صد میلیون دیگر هم بدهم تا بار را تحویل بگیرم! اعتراض کردم که معامله تمام شده و من پول را کامل پرداخت کرده‌ام، باید بارم را تحویل دهید، اما پاسخ دادند که از آن روز تا امروز پارچه دوباره گران شده است.»

او ادامه می‌دهد: «نتوانستم این مبلغ را جور کنم، تابستان هم در رکود و گرانی بازار خودروی شخصی‌ام را فروخته بودم و برای خرید پارچه هزینه کرده بودم، دیگر پولی نداشتم. ناچار شدم کارگاه را برای دو ماه تعطیل کنم و حقوق دی و بهمن کارگرها را از جیب پرداخت کرده و آن‌ها را خانه فرستادم.»

وقتی پرسیده می‌شود آیا محمد از اول اسفند کارگاه را بازمی‌گشاید، می‌گوید: «تولیدکنندگان لباس همه امیدشان به شب عید است. امیدوارم بتوانم بار پارچه را ترخیص و کارگرها را سر کار برگردانم، اما اگر شب عید هم کار نکنیم، ادامه دادن بی‌فایده خواهد بود و ناچارم علیرغم میل باطنی، کارگرها را به بیمه بیکاری بسپارم. بعد از بیست سال تلاش برای تولید این کشور، می‌ترسم مجبور شوم روی تولید را ببوسم و کنار بگذارم.»

محمد این روزها راننده اسنپ شده و با آن خرج دو خانواده را می‌پردازد؛ خانواده خودش و همسرش، و همچنین خانواده مادر و خواهر کوچک‌ترش. فشار اقتصادی و تورم بی‌وقفه، ستون‌های تولید خرد کشور را لرزاند و نمونه‌هایی مانند محمد هشدار می‌دهند که

لزوم حمایت از کارگاه‌های کوچک

با توجه به این آمارها روشن می‌شود که تداوم فعالیت کارگاه‌های کوچک و پایداری آن‌ها نقش محوری در استمرار اقتصاد تولیدی کشور و به تبع آن، حفظ اشتغال کارگران مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی دارد. اگر اشتغال کارگران این کارگاه‌ها صیانت نشود، تعادل منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی به سرعت مختل خواهد شد. در حالی که آمارهای تولید و اشتغال در این گروه از کارگاه‌ها حتی دو سال پیش نیز نگران‌کننده بوده است.

نظرسنجی رسمی انجام شده در فصل پاییز ۱۴۰۲ نشان می‌دهد میانگین ظرفیت فعالیت واقعی حدود ۲۸۸۹ بنگاه اقتصادی شرکت‌کننده، معادل ۴۴۰۹۱ درصد برآورد شده است. این بدان معناست که بیش از نیمی از ظرفیت بالقوه واحدهای اقتصادی کشور خاموش است و دلیل اصلی این تعطیلی، افزایش سرسام‌آور هزینه‌هاست. طبق آمار، بیش از ۲۴۶ هزار کارگاه و ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار کارگر تحت پوشش قانون کار در استان تهران مشغول فعالیت هستند. اکثریت این کارگاه‌ها کوچک‌اند، اما مشخص نیست چه تعداد از آن‌ها حتی در شب عید، زمانی که معمولاً تولید و رونق کسب و کار افزایش می‌یابد، با کمبود نقدینگی و برهم خوردن تراز مالی دست و پنجه نرم می‌کنند.

آخرین گزارش رسمی سازمان صنایع کوچک درباره وضعیت شهرک‌های صنعتی کشور نشان می‌دهد بحران تعطیلی و کاهش توان تولید بنگاه‌ها در سال جاری ابعاد جدیدی یافته است؛ موضوعی که می‌تواند زنجیره‌های تأمین، اشتغال و رشد اقتصادی را در آستانه چالش جدی قرار دهد. بر اساس این گزارش، در برخی استان‌ها نزدیک به نیمی از واحدهای تولیدی شهرک‌های صنعتی به دلیل مشکلات ساختاری از جمله کمبود نقدینگی، ضعف تقاضا و فرسودگی ماشین‌آلات متوقف یا با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند. برای نمونه، در استان زنجان حدود ۴۸ درصد و در اصفهان حدود ۴۷ درصد از واحدهای صنعتی تحت این شرایط قرار دارند.

کمبود نقدینگی عامل اصلی تعطیلی بیش از نیمی از این واحدهاست، به گونه‌ای که ۵۳۰۶ درصد از کارخانه‌های غیرفعال، به دلیل محدودیت مالی از چرخه تولید خارج شده‌اند و این شرایط هشدار جدی برای پایداری اشتغال و اقتصاد تولیدی کشور است.

آسیب‌پذیری اشتغال خرد

بر تراز مالی کارگاه‌ها فشار مضاعف وارد می‌کند و توان مالی آنان را محدود می‌سازند. هر شوک ارزی یا افزایش ناگهانی قیمت‌ها می‌تواند موازنه مالی این کارگاه‌ها را برهم زده و به تعطیلی موقت یا دائم بینجامد. در چنین شرایطی، کارگران ناچار به خانه فرستاده می‌شوند و پرداخت حق بیمه به صندوق تأمین اجتماعی متوقف می‌شود. این توقف هم به زیان مستقیم کارگران است و هم صندوق بیمه‌گر را با فشار مالی روبه‌رو می‌کند، زیرا متقاضیان دریافت مقرری بیکاری افزایش می‌یابند و بار اضافی بر منابع محدود آن تحمیل می‌شود.

اشتغال در کارگاه‌های کوچک و متوسط، ستون پنهان اقتصاد کشور است و بیشترین تمرکز آن در واحدهای زیر ۱۰ نفر نیروی شاغل قرار دارد؛ پس از آن، کارگاه‌های ۱۰ تا ۵۰ نفره سهم قابل توجهی از بازار کار را تشکیل می‌دهند. بیش از ۸۰ درصد اشتغال رسمی کشور در همین دو گروه جریان دارد و از این رو، حساسیت و آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر تکانه‌های اقتصادی و تورم، بسیار بالا است. فشار هزینه‌های تولید و سر بار این واحدها به نسبت درآمد حاصل، شدید است؛ از مواد اولیه و تجهیزات گرفته تا هزینه انرژی، حقوق و بیمه، هر کدام

حمایت دولت از تولید

تنها راه پیشگیری از تعطیلی گسترده کارگاه‌ها و حفظ استمرار تولید، حمایت مستقیم دولت از تولیدکنندگان خرد و متوسط و همچنین مهار تورم است. دولت باید با سیاست‌های هدفمند از افزایش سرسام‌آور قیمت مواد اولیه، تجهیزات، انرژی و سایر هزینه‌های تولید جلوگیری کند و فشار مالی بر بنگاه‌ها را کاهش دهد تا کارگاه‌ها بتوانند بدون ریسک تعطیلی فعالیت کنند. بدون این اقدامات، بسیاری از تولیدکنندگان کوچک با کمبود نقدینگی مواجه شده و ادامه کار برای آن‌ها دشوار یا غیرممکن می‌شود.

راهکارهایی مانند بخشودگی قبوض انرژی، پرداخت تسهیلات کم‌بهره یا بلاعوض، بخشودگی سوده‌های بانکی معوق و پرداخت یارانه‌های دستمزد می‌تواند بحران مالی تولیدکنندگان را کاهش داده و به پایداری اشتغال کارگران کمک کند. این اقدامات به کارگاه‌ها فرصت می‌دهد تا چرخه تولید و فروش خود را حفظ کرده و از تعطیلی موقت یا دائم جلوگیری کنند. در غیر این صورت، کمبود منابع مالی و افزایش هزینه‌ها، کارگاه‌ها را به توقف فعالیت یا کاهش شدید تولید مجبور خواهد کرد.

تأخیر در تخصیص منابع حمایتی، این مشکل را تشدید می‌کند و بنگاه‌ها قادر نخواهند بود تصمیمات فوری مالی و عملیاتی خود را اتخاذ کنند. حمایت ناکافی و دیر هنگام دولت، اثر محدودی بر کاهش فشار تورمی و حفظ اشتغال خواهد داشت و پیامدهای آن به شکل بیکاری گسترده و کاهش منابع صندوق تأمین اجتماعی نمایان می‌شود.

در شرایط فعلی، بدون یک بسته حمایتی هماهنگ و به موقع، تعطیلی کارگاه‌ها نه تنها زیان اقتصادی تولیدکنندگان، بلکه فشار مضاعف بر بازار کار و صندوق‌های بیمه‌ای را به همراه خواهد داشت. حمایت فوری و هدفمند دولت، تنها راه تضمین پایداری تولید و اشتغال در کارگاه‌های خرد و متوسط است و می‌تواند از بحران گسترده اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کند.

حمایت مالی دولت در مسیر اجرا

بسته حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت، با هدف مقابله با فشارهای تورمی و تقویت تولیدکنندگان خرد و به منظور طراحی شده است. این رقم کلان، اگرچه از نظر عدالت قابل توجه است، ساختاری هدفمند دارد که در مراحل مختلف تخصیص و اجرا به تدریج به دست تولیدکنندگان خواهد رسید. کارشناسان معتقدند سرعت توزیع منابع اهمیت بالایی دارد و دولت با برنامه‌ریزی دقیق در تلاش است تا کمک‌ها به صورت گسترده و شامل همه گروه‌های تولیدکننده، از جمله آن‌هایی که واردات مستقیم ندارند، به چرخه تولید منتقل شود و اثرگذاری آن بر رفع مشکلات فوری و روزمره بنگاه‌ها افزایش یابد.

کارشناسان هشدار می‌دهند که بدون ورود سریع و برنامه‌ریزی دقیق دولت برای کنترل تورم، تعطیلی گسترده کارگاه‌های کوچک و متوسط اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این شرایط، کارگران زیادی بیکار می‌شوند و برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به صندوق تأمین اجتماعی مراجعه خواهند کرد. این موضوع فشار مضاعف بر منابع ریالی صندوق ایجاد کرده و تعادل مالی آن را تهدید می‌کند. کاهش منابع و افزایش تقاضا برای پرداخت مقرری، صندوق تأمین اجتماعی را بیش از پیش در دل یک بحران جدی فرو خواهد برد و منابع محدود موجود نیز در معرض از دست رفتن قرار می‌گیرند.

واقعیت این است که بسته‌های حمایتی ناکافی، دیر هنگام یا محدود به بخشی از تولیدکنندگان، اثرگذاری چندانی در حفظ اشتغال و استمرار تولید نخواهد داشت. کارگاه‌های کوچک و متوسط، به‌ویژه آن‌هایی که زیر ۱۰ نفر نیروی کار دارند، ستون‌های پنهان اقتصاد کشور هستند و آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر تکانه‌های تورمی بسیار بالاست. اگر حمایت دولت جامع، فوری و هدفمند نباشد، بسیاری از این کارگاه‌ها ناچار به تعطیلی موقت یا دائم خواهند شد و پیامدهای آن شامل بیکاری گسترده، کاهش تولید و اختلال در زنجیره تأمین خواهد بود.

بنابراین، تداوم فعالیت کارگاه‌های کوچک و متوسط تنها با یک بسته حمایتی هماهنگ، سریع و همه‌جانبه تضمین می‌شود. این اقدام نه تنها از تعطیلی کارگاه‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه پایداری اشتغال کارگران و تعادل صندوق تأمین اجتماعی را نیز حفظ خواهد کرد و از وقوع بحران اقتصادی و اجتماعی گسترده جلوگیری می‌نماید.